

تفسیر نعمانی

حسن داودی



کرد که تحقیق کنم و علوم قرآنی را از زبان معصومین (علیهم السلام) و بزرگان شیعه بیابم تا به عنوان یک اثر جداگانه شیعی در کنار کتب برادران سنی قرار گیرد. پس از بازگشت به محل سکونت در حد امکان و تا آنجا که کتاب در دسترس بود به تتبع پرداختم. علاوه بر دست یافتن به اطلاعات ذی قیمتی در کتب حدیث، رجال و تفسیر نسبت به این موضوع، رساله شیخ نعمانی را در البحار پیدا کردم. تصمیم گرفتم بعد از مشورت با استادان رساله مذکور را به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد انتخاب کنم و آن را به عنوان اولین کار علوم قرآنی شیعی به زبان فارسی در معرض دید و مطالعه بگذارم. این رساله را چه از حضرت علی (علیه السلام) یا از امام صادق (علیه السلام) بدانیم و چه از یکی از چهار دانشمند بزرگوار، یعنی: سعد بن عبدالله اشعری (متوفای سال ۳۰۱ هـ) و محمد بن ابراهیم نعمانی و علی بن ابراهیم قمی (متوفای سال ۳۰۷ هـ) و سید مرتضی علم الهدی (متوفای سال ۴۳۶ هـ) به هر حال روشنگر تقدم شیعه در چنین تألیفاتی است؛ زیرا اولین اثر علوم قرآنی اهل تسنن از بدر الدین زرکشی متوفای سال ۷۴۹ هـ است.

افسوس که دانشمندان و محققان در صدد تحقیق چنین رساله‌هایی نبوده و سعی چندانی در معرفی آنها به جهان اسلام نکرده‌اند.

■ پیش درآمد

در دوره کارشناسی ارشد، روزی در کلاس درس، یکی از برادران دانشجوی در باره کتب علوم قرآنی شیعه سؤال کرد، استاد بزرگوار در جواب او فرمود: حقیقتاً آنچه در کتابخانه‌ها از کتب علوم قرآنی وجود دارد، بیشتر کتب برادران اهل سنت است و از شیعه در این زمینه آثار متعدد و جداگانه نداریم.

با اینکه پاسخ استاد برای من از این جهت تلخ بود که چرا شیعه با پیروی از اهل قرآن در این زمینه اثری ندارد تلخ بود، ولی موجب دل سردی نشد، بلکه در من این انگیزه را ایجاد

ب - تحقیق در باره مصنف، اسناد و مدارک رساله

در تحقیق رساله با چند مطلب روبه رو هستیم: یکی این که با توجه به محتوای آن، چه نامی بهتر است بر آن بگذاریم؟ دیگر این که مصنف رساله کیست؟ شیخ نعمانی است یا کسی دیگر؟ سوم این که آیا این رساله تفسیر آیات قرآنی است یا مطالبی مربوط به علوم قرآن؟ چهارم این که ادعای صدور آن از حضرت امیر (علیه السلام) تا چه اندازه صحت دارد؟

در این زمینه‌ها به نتایجی رسیدیم که به ترتیب زیر ذکر می‌شود:

۱- نام رساله

این رساله به نام «المحكم والمتشابه» به سید مرتضی (علم الهدی) نسبت داده شده است.^(۱)

و بعضی نام رساله را «الناسخ والمنسوخ والمحكم والمتشابه» ذکر، و به سعد بن عبدالله اشعری منسوب کرده‌اند.^(۲)

و نیز به نام «تفسیر النعمانی» به روایت محمد بن ابراهیم نعمانی یاد شده است.^(۳)

اما با توجه به محتوای رساله، نام اول و دوم را نمی‌توان برای آن درست دانست، زیرا رساله علاوه بر اشتغال بر مطالبی در محکم، متشابه، ناسخ و منسوخ، مطالب و عناوین متعدد دیگری را در بر دارد که دو عنوان فوق تنها جزئی اندک از رساله را تشکیل می‌دهند. با توجه به این توضیح، به نظر می‌رسد که نام سوم، متناسب با مطالب رساله است.

به علاوه شیخ نعمانی، مطالب رساله را به شصت نوع تقسیم کرده است.^(۴) و با بررسی دو رساله مذکور در می‌یابیم که محتوای آنها، همان محتوای رساله شیخ نعمانی است.

ممکن است گفته شود این نام گذاری برای دو رساله سید مرتضی و سعد بن عبدالله اشعری از باب تغلیب* است؛ ولی توجه دقیق به مطالب رساله روشن می‌کند که دو مبحث «محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ» چنانکه گفتیم بخش کوچکی از رساله را تشکیل می‌دهند، یعنی رساله مذکور از دو بخش عمده تشکیل یافته، یکی مربوط به علوم قرآنی است از قبیل: محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، خاص و عام، تأویل و تنزیل، قطع و وصل، و تحریف و... و بخش دیگر، در احتجاجات قرآن است از قبیل: احتجاج با دهریون و اهل کتاب و فرق مختلف اسلامی.

با این توضیح روشن می‌شود که نام سوم رساله یعنی «اصناف و انواع آیات قرآنی و تفسیر برخی آیات» با محتوای آن انطباق تمام دارد.

۲- مصنف حقیقی رساله

با مطالبی که ذیلاً عنوان می‌شود، روشن خواهد شد که این رساله از شیخ نعمانی است.

الف - در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل و کتاب هدیه العارفین قید شده که تفسیر مذکور جزو تألیفات نعمانی است.^(۵)

ب - در وسایل الشیعه آمده است که: همه رساله «المحكم والمتشابه» سید مرتضی از تفسیر نعمانی نقل شده است.^(۶)

ج - و نیز آمده است: بدان که سید اجل ما - مرتضی - در رساله المحکم و المتشابه احادیثی از تفسیر نعمانی نقل کرده و اسناد آن بدین شرح است.

«قال شيخنا ابو عبدالله محمد بن ابراهيم بن جعفر النعماني رضي الله عنه في كتابه في تفسير القرآن:

پس رساله مذکور، تألیف سید مرتضی نیست، بلکه وی آن را از شیخ خود محمد بن ابراهیم نعمانی نقل کرده است.

ضمناً، رساله‌ای به نام «الناسخ والمنسوخ والمحكم والمتشابه» توسط سعد بن عبدالله اشعری تألیف شده، اما با استنادی غیر از اسناد شیخ نعمانی، زیرا سعد بن عبدالله در پایان قرن سوم می‌زیسته و ناقل رساله او جعفر بن محمد بن قولویه می‌باشد.^(۷)

۳- شرح حال شیخ نعمانی

ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب^(۸) النعمانی معروف به «ابی زینب» یا «ابن زینب» نزد اهل فن به عالم ربانی موصوف است، از فرزندان او فاطمه مادر وزیر مغربی است.^(۹)

محل ولادت او شهر نعمان - نعمانیه - بین واسط و بغداد بوده است،^(۱۰) تاریخ ولادت شیخ مجهول است و در این زمینه کتب تاریخ و تراجم و رجال تنها به این امر اشاره دارند که وی از علمای عصر غیبت صغری^(۱۱) و از شاگردان محمد بن یعقوب کلینی است.^(۱۲)

* یا نامگذاری یک اثر به نام جزئی از آن؛ تسمیه الشیء باسم جزئه.

اگر این موارد را به عنوان یک سلسله عوامل برای محاسبه تاریخ احتمالی ولادت نعمانی قرار دهیم و زنده بودن او را تا سال ۳۴۲ بر آن بیفزاییم می‌توانیم، بگوییم که وی اندکی قبل یا بعد از غیبت صغری به دنیا آمده است.

رساله شیخ مقدمه تفسیری است

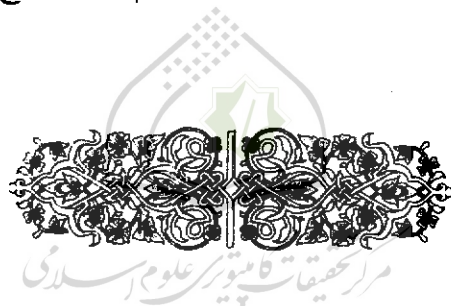
چنانکه در بحث پیش اشاره شد، این رساله دارای دو بخش عمده است: یکی بخش بحث‌های علوم قرآنی، بخش دیگر احتجاجات قرآن. در این رساله تفسیر سُور یا سوره‌ای از قرآن دیده نمی‌شود، اما در آن گاهی توضیح و تفسیر آیه یا آیاتی آمده است. قطعاً شیخ نعمانی تفسیری داشته ولی به دست ما نرسیده، تنها چیزی که مانده همین مقدمه است. اما رساله حاضر بیشتر یک اثر در علوم قرآنی است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در باره این رساله گوید: «رساله عبارت

از روایات مبسوطی است که نعمانی آنها را با اسناد خود تا امام صادق (علیه السلام) روایت کرده و آنها را مقدمه‌ای بر تفسیر خود قرار داده و به طور جداگانه همراه با خطبه‌ای کوتاه تدوین کرده که همین رساله است که به نام رساله «المحکم والمثالب» آمده و به سید مرتضی نسبت داده شده است.»^(۱۳)

سید حسن صدر گوید: «شیخ نعمانی قرآن را به شصت نوع تقسیم کرده و برای هر نوعی نمونه‌ای از آیات مخصوص به آن نوع آورده است.»^(۱۴)

عین همین عبارات را سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه نوشته است.

پس صحیح آن است که رساله مذکور را رساله علوم قرآنی به عنوان مقدمه‌ای بر تفسیر بدانیم؛ مانند مقدمه‌ای که علی بن ابراهیم قمی برای تفسیر خود آورده است. البته مقدمه علی بن ابراهیم با رساله شیخ نعمانی اندکی تفاوت دارد.



• یاد داشتها :

- ۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۰، ص ۱۵۵ و ۱۵۴.
- ۲- همان مأخذ، ج ۲۲، ص ۸، و اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، مجلد ۷، ص ۲۲۵.
- ۳- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، ص ۳۳۳-۳۳۴.
- ۴- همان مأخذ، ص ۳۳۳.
- ۵- الف - مستدرک الوسائل، مجلد سوم، الخاتمه ص ۳۶۶.
- ب - هدیة العارفين ضمیمه کتاب کشف الظنون، جلد ششم.
- ج - و نیز ریحانة الادب، ج ۷، ص ۳۴۸.
- د - رجال الکشی، ص ۵۵۲، کتاب تفسیری را از طریق الحسن بن علی ابن ابی حمزه بطائنی را نقل می‌کند.
- ۶- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۰، ص ۳۹.
- ۷- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۹۰، ص ۹۷.
- ۸- فضل الله بن شمس الدین الالهی گوید: محمد بن ابراهیم بن جعفر... من تلامیذ الکلبینی وکان خصیصاً به یکتب کتابه الکافی واجاز له فی قراة الحدیث عین الغزال، ص ۱۲.
- ۹- ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه واللقب، میرزا محمدعلی مدرسی، ج ۷، ص ۳۴۸.
- ۱۰- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۳۳.
- ۱۱- أمل الایل، محمد بن الحسن الحر العاملی، ج ۲، ص ۲۳۳.
- ۱۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۹۸.
- ۱۳- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۳۲.
- ۱۴- اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۶۰.